



آشنایی با رویه قضایی و تفاوت آن با رای وحدت رویه

در علم حقوق، منابعی که می‌توان از آنها قواعد و اصول حقوقی را استخراج کرد تا منشأ و مستند صدور آرای محاکم قرار بگیرند...

در علم حقوق، منابعی که می‌توان از آنها قواعد و اصول حقوقی را استخراج کرد تا منشأ و مستند صدور آرای محاکم قرار بگیرند، عبارتند از قانون، عرف و رویه قضایی. به‌طور کلی زمانی که برای امری در عرف و قانون حکمی ذکر نشده باشد در این مواقع قضات و محاکم قضایی باید با ابتکار عمل حکم جدید صادر کنند یا آرای مکرر صادر شده در مورد یک مسئله مشابه را مرجع قرار دهند. در این شرایط مجموع آرای دادگاه‌ها را رویه قضایی گویند.

به گزارش «تابناک»؛ در جهت انتظام بخشیدن به جامعه و روابط بین اشخاص، قوانین و مقرراتی از سوی سازمان‌های صلاحیت‌دار دولتی یا خصوصی وضع می‌گردد؛ مانند قانون ثبت، قانون شهرداری، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها. لیکن برخی قوانین با تشریفات پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی از طریق همه‌پرسی به تصویب می‌رسند، مانند قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی و...

عرف

گاهی قانون‌گذار صریحاً مفاهیمی را بیان نکرده است و آنها را مستقیماً به عرف ارجاع می‌دهد. برای مثال در ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقنن بیان می‌کند: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌کند بلکه متعاملین به کلیه نتایج هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم هستند».

به نوشته «چطور»؛ عرف را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: قواعدی که از وقایع اجتماعی که به‌صورت تدریجی و خودبه‌خود بین مردم یا گروه خاصی برای مثال پزشکان، بنگاهداران و... به وجود می‌آید، استخراج می‌شود و الزام‌آور است. ممکن است در شهری هزینه‌ها و انتقال سند مالکیت با خریدار باشد. حال اگر در قراردادی مسئولیت پرداخت هزینه‌ها انتقال ذکر نشده باشد، می‌توان خریدار را ملزم به پرداخت کرد. قابل ذکر است که مفاد قرارداد بر عرف و عادت بین مردم مقدم‌تر و الزام‌آورتر است.

رویه قضایی چیست

در تعریف رویه قضایی باید گفت در مسئله‌ای که قانون سکوت کرده یا اجمالاً مفاهیمی را ذکر کرده است، یا مفاهیم بیان‌شده ناقص هستند یا در مراجعه بر عرف نیز راه‌حلی یافت نشود، محاکم مجبورند برای ایجاد عدالت از خود ابتکار عمل به‌خرج داده و حکمی متناسب با شرایط صادر کنند. حال، قضات می‌توانند به آرای مکرر صادرشده درباره‌ی همین مسائل با شرایط یکسان یا مشابه مراجعه کنند. آنها را مبنای کار خود قرار بدهند و حکم مقتضی را صادر نمایند. بنابراین مجموع آرای دادگاه‌ها را رویه قضایی گویند.

از آنجایی که قانون، تمام حالت‌های ممکن برای یک موضوع حقوقی را پیش‌بینی نکرده است، به‌همین دلیل قانون‌گذار به قضات اجازه داده که در شرایط مقتضی از طریق انطباق قوانین موجود با مسائل و واقعیت‌های خارجی، احکام لازم را صادر کنند.

البته باید دانست تفاوت بین قانون و رویه قضایی این است که مواد قانونی برای همه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی الزام‌آور است، ولی تبعیت از حکمی که به‌صورت رویه قضایی صادر شده فقط برعهده‌ی شخص محکوم است. یعنی اگر در دادگاه موضوعی قضایی مطرح شود که مشابه آن در دادگاهی دیگر از طریق رویه قضایی حل شده باشد، قاضی دوم ملزم به اعلام حکم قاضی اول نیست.

ولی معمولاً در چنین مواردی، قضات به حکمی که قبلاً داده شده اقتدا می‌کنند؛ هر چند مجبور به این کار نیستند. در واقع، وقتی قضات با یک مسئله‌ی قضایی برخورد می‌کنند که راه‌حل آن در متن قانون وجود نداشته باشد، آنان به‌سُرعت، برخورد مشابه با مسئله را پیدا می‌کنند؛ به‌طوری‌که می‌توان در اکثر موارد حکم دادگاه‌ها را پیش‌بینی کرد. البته باز هم تأکید می‌کنیم که تبعیت از حکم مذکور الزامی نیست.

با اینکه رویه قضایی معمولاً به‌عنوان یکی از منابع قانونی به‌حساب می‌آید، ولی عده‌ای معتقدند از آنجایی‌که قانون‌گذاری از وظایف قوه مقننه است و قوه قضاییه صلاحیت انجام این کار را ندارد، بنابراین رأی دادگاه‌ها براساس رویه قضایی امری نسبی است و نمی‌توان آن را مستقیماً به‌عنوان یکی از منابع حقوقی طبقه‌بندی کرد، ولی باید این موضوع را هم در نظر گرفت که رویه قضایی در عرف به‌عنوان یک حکم پذیرفته شده تلقی می‌گردد.

همچنین آرای وحدت رویه قضایی صادره از دیوان عالی کشور که رعایت آن برای همه قضات دادگاه‌ها و مراجع قانونی واجب است، مهر تأییدی است بر تلقی شدن رویه قضایی به‌عنوان یک منبع حقوقی.

تفاوت رای وحدت رویه و رویه قضایی

اگر درباره‌ی موضوعی، یک مرجع عالی قضایی با استناد به قوانین و مواد موجود، حکمی را اعلام کند، ولی شعبه‌ی دیگری از همان مرجع با استناد به همان قوانین و مواد، حکم دیگری را ابلاغ کند؛ قانون‌گذار پیش‌بینی کرده که هیئت عمومی دیوان عالی کشور که متشکل از قضات دیوان عالی هستند، درباره‌ی آن موضوع نظر نهایی خود را اعلام کنند. در این فرض، رأی اکثریت ملاک خواهد بود و این حکم با نظر برای تمام مراجع قضایی لازم‌الاجراست. به این رأی، رای وحدت رویه گویند. به عبارت دیگر، رای وحدت رویه مربوط به زمانی است که در خصوص موضوع واحد، آرای متناقضی از دو مرجع قضایی صادر می‌شود. در این صورت، موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح می‌شود و این هیئت با رأی اکثریت تصمیم می‌گیرد که کدام یک از آرای صادره صحیح و مطابق قانون است. اما همان‌طور که گفته شد، حکمی که به‌صورت رویه قضایی صادر شود، برای دیگر مراجع قضایی لازم‌الاتباع نیست.

نظریه‌ی مشورتی و رویه قضایی

گاهی اتفاق می‌افتد که قضات در حین رسیدگی به پرونده با ابهامات و سؤالاتی رویه قضایی می‌شوند. پاسخ رسمی به این ابهامات از طریق ارسال آنها به اداره‌ی کل حقوقی قوه قضاییه امکان‌پذیر است که اداره‌ی مذکور در قالب نظریه‌ی مشورتی رفع ابهام می‌کند. قابل ذکر است هر چند این نظریات لازم‌الاتباع نیستند، اما تکرار آنها می‌تواند باعث رویه قضایی شود تا محاکم در موارد مشابه به آنها رجوع کنند.

جایگاه رویه قضایی در نظام قضایی

امروزه رویه قضایی جایگاه خاصی در نظام قضایی دارد؛ برای خود دست‌وپا کرده، زیرا این منبع حقوقی باعث پوشاندن نقاط ضعف قانون شده، به آن تحرک، پویایی و نشاط می‌بخشد و مهم‌تر از همه، باعث تطبیق قانون با شرایط کنونی جامعه می‌شود.

در وصف اهمیت رویه قضایی همین بس که برخی اعتقاد دارند، رویه قضایی آینده بهره‌مندی اعضای جامعه از عدالت، اخلاق و تمدن است. در نظام حقوقی آمریکا و انگلیس که اصطلاحاً «کامن لاء» گفته می‌شود، رویه قضایی از منابع معتبر حقوقی است. همچنین جایگاه ارزشمندی دارد و برای محاکم الزام‌آور است، اما در نظام حقوقی «رومی-ژرمنی» مانند فرانسه، رویه قضایی تا به این اندازه اعتبار نداشته و لازم‌الاتباع نیست، اما انتشار آن در برخی موارد الزامی است. در کشور ما نیز قضات آنچنان میل و رغبتی به تبعیت از آرای مشابه صادرشده در موارد یکسان را ندارند و حتی رویه قضایی به‌صورت

رسمی برای اطلاع مردم منتشر نمی‌شود.